



انحصارات؛ عامل ایستائی و سقوط اقتصاد ملی

**مهم ترین عاملی که باعث می شود بنگاه های اقتصادی
در راستای افزایش سود، به مصرف کننده تعدی روا دارند،
عامل نبود رقابت است**

(دست کم در کشورهای پیشرفته صنعتی) قرار گیرد. به برکت رقابت است که قیمت کالاهای تولیدی در حال تنزل است و مردم بیشتر می توانند از آن بهره مند شوند. مثال های آشکار در این زمینه، رشته هایی مانند رایانه، الکترونیک، لوازم صوتی و تصویری، مخابرات و... است.

به طور کلی، در اقتصادهای پیشرفته، قدرت خرید یک ساعت کار، به طور مستمر و به افزایش است. به عبارت دیگر، به طور مستمر در بیشتر رشته ها، قیمت کالا و خدمات کاهش می یابند و در این فرآیند، قدرت خرید افزایش پیدا می کند. رقابت، نه تنها نظم بازار تولید و توزیع را برقرار می سازد، بلکه همزمان باعث گسترش بازار مصرف نیز می شود.

از یاد نبریم که بدون وجود محرک افزایش ثروت و عامل نظم دهنده آن، امروزه بشریت هنوز در مراحل اولیه زیست بود و تنها توان ارضای نیازهای اولیه خود را، آن هم در حد ابتدایی داشت. در آن صورت، اثری از شهرهای بزرگ، زیربناهای گسترده، امکانات وسیع تولید کالا و خدمات پیچیده، بیمارستان ها، دانشگاه ها، وسایل حمل و نقل

سرمایه گذاران در بنگاه هایی که به صورت غیرانتفاعی اداره می شوند، انتظار دریافت «سود» از سرمایه گذاری خود ندارند. مجموعه از ثروت در یک واحد ملی (افراد به اضافه ی بنگاه های اقتصادی) در عرض یک سال، نرخ رشد اقتصاد آن کشور را تعیین می کند. هر کشور، مانند هر بنگاه با هر فرد، کوشش دارد که نرخ افزایش ثروت ملی را هرچه بیشتر بالا ببرد. بدین سان هنگامی که سخن از «رشد ملی» به میان می آید، مقصود آن است که آیا سطح زندگی مادی، سطح آموزش، سطح بهداشت و... در مقایسه با افزایش جمعیت بهبود یافته و یا برعکس دچار کاهش شده است.

مهم ترین عاملی که موجب می شود که بنگاه های اقتصادی در راستای افزایش سود، به جای بهبود تولید، دست تعدی به سوی مصرف کنندگان دراز کنند، عامل نبود رقابت است. یعنی همان دست نامرئی که آدام اسمیت (۱) (Adam Smith) اقتصاددانان قرن هجدهم انگلیس از آن سخن به میان آورد و هنوز که هنوز است، موتور اصلی اقتصادهای پیشرفته جهان است. «رقابت» باعث می شود که هر روز فرآورده های نو در اختیار توده ها

فرهاد طالع

برترین هدف هر بنگاه اقتصادی، ازدیاد ثروت است. ازدیاد ثروت که در اصطلاح «سود» نامیده می شود، به بنگاه های اقتصادی اجازه می دهد که اقدام به افزایش تولید (با به کارگیری ماشین آلات نوین)، بهبود تولید (با سرمایه گذاری در امر تحقیقات)، تنوع بخشیدن به تولید (با افزودن رشته های جدید تولید و یا خرید بنگاه های دیگر) و به کوتاه سخن، به ارتقاء سطح «بازده»، بپردازند.

هیچ بنگاه اقتصادی، بدون دستیابی به سود مستمر، نمی تواند رشد کند. در غیر این صورت، در درازای زمان، با از دست دادن قدرت رقابت، محکوم به فنا خواهد بود. سرمایه گذاری در راستای افزایش تولید و یا افزایش قابلیت رقابت و یا هر دو، تنهایی تواند از محل «سود» بنگاه اقتصادی به دست آید و یا بازپرداخت شود. حتی مؤسسات به اصطلاح غیرانتفاعی نیز در پی کسب سود بیشتر و در این فرآیند، افزایش قابلیت تولید خود هستند. فرق این گونه بنگاه ها، با بنگاه های اقتصادی در این است که

بهره‌مند شود. کشورهای جنوب شرقی آسیا، بادست‌یازیدن به «انحصارزدایی» و کاستن از دخالت دولت در امور اقتصادی، توانستند تا حد زیادی مشکلات را برطرف کرده و به سوی افزایش تولید ملی گام بردارند.

مهم‌ترین مسأله در این میان آن است که وظایف دولت در پهنه‌ی اقتصاد روشن شده و مدون گردد. وظایف دولت در این مورد عبارتند از:

- ایجاد فضای مناسب برای رقابت که لازمه آن درهم شکستن انحصارات و وضع قوانین و برپایی نهاد لازم برای جلوگیری از ایجاد انحصارات جدید است.
- حفظ حقوق مصرف‌کنندگان
- آموزش

از سوی دیگر، وظیفه‌ی

بخش خصوصی در پهنه اقتصاد ملی، عبارت است از برعهده گرفتن کلیه فعالیت‌های اقتصادی که تولید و توزیع را در سطوح گوناگون در برمی‌گیرد. بدین سان، نخستین گام در راستای آزادسازی اقتصادی و کاهش نقش مداخله‌گرانه دولت، عبارت است از: خصوصی‌سازی مؤسسات مالی و بنگاه‌های اقتصادی و درهم شکستن انحصارات، به صورت هم‌زمان.

بایجاد چنین فضایی، بخش خصوصی، شرایط لازم را برای ایفای نقش خود در پهنه اقتصاد ملی به دست می‌آورد.

با تأکید بیشتر بر نقش نظارتی خود و دست برداشتن از دخالت مستقیم در امر اقتصاد، بر کارایی اقتصاد کشورهای خود افزودند. کشورهای مزبور با افزایش رقابت و



خارج کردن بانک مرکزی از زیر سلطه دولت و قرارداد آن زیر نظارت قوه مقننه، توانستند به رشد اقتصادی به دور از تورم دست یابند.

ژاپن که در سال‌های گذشته از رشد بسیار بالایی برخوردار بود، در اثر نفوذ بیش از حد دولت در اقتصاد و فقدان رقابت کافی در عرصه اقتصاد کشور مزبور، نتوانسته است به رکورد چند ساله اخیر پایان دهد. کشور چین درست هم‌زمان با انقلاب اسلامی در ایران، آغاز به آزادسازی اقتصادی کرد و در این فرآیند توانست که در ۲۰ سال گذشته از رشد خیره‌کننده (کمابیش ۹ درصد در سال)

نوین زمینی، زیرزمینی، هوایی و... وجود نداشت.

بنگاه‌های اقتصادی دولتی، بنابه طبیعت خود و به مناسبت نداشتن محرک تولید ثروت و کوشش در راه از کار انداختن «سازوکار» رقابت، دارای نیروی لازم برای افزایش کارایی بنگاه خود و در این راستا، اقتصاد ملی نیستند. این گونه بنگاه‌ها، از آن جاکه نمی‌توانند در شرایط مساوی به حیات خود ادامه دهند، هر روزه در پی اعمال نفوذ برای تغییر قوانین و مقررات به سود خود و به صورت دریافت ارز ارزان‌تر، دست‌اندازی به منابع اعتباری کشوری، گسترده تر کردن دایره‌ی انحصارات و... هستند. سلطه‌ی بیش از حد بنگاه‌های

اقتصادی دولتی بر اقتصاد کشور، دارای بی‌آمدهای خسران‌باری است که نمونه آن عملکرد نظام‌های کمونیستی در قرن بیستم میلادی است. هم‌چنین نگاهی به کارنامه‌ی اقتصادی کشور خودمان در سال‌های اخیر، باید به اندازه کافی برای همگان عبرت‌آموز باشد.

کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی، در بیست سال گذشته، هر روز گام نوینی در راستای از بین بردن انحصارات (چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی)، هم‌زمان با خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی برداشته‌اند. در این راستا، دولت‌های مزبور

در هر نقطه‌ای از ایران و جهان

قبل از چاپ مجله *گزارش*

خلاصه‌ای از آن را پر روی سایت اختصاصی WWW.GOZARESH.COM ببینید